

انگیزه‌ها و پیامدهای سفر زیارتی بلندپایگان سیاسی قاجار به عتبات و حج

نقیسه واعظ (شهرستانی)*

استادیار گروه روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا

(از ص ۱۰۳ تا ۱۲۲)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۹/۱۰؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۶/۰۶/۲۰

چکیده

تأمل و تحلیل انگیزه و بازخوردهای سفر زیارتی از اهداف این پژوهش به‌شمار می‌رود. این نوشتار به‌روش توصیفی و تحلیلی این پرسش را طرح نموده که مهم‌ترین انگیزه‌ها و پیامدهای سفر زیارتی رجال سیاسی ایران در دوره قاجاریه، اماکن مقدسه زیارتی در عراق عرب و حجاز چه بوده است؟ فرضیه پژوهش بر این مبناست که مقام‌های عالی‌رتبه سیاسی قاجار با انگیزه و اهداف متنوعی همچون؛ معنویت‌گرایی، انجام مأموریت مذهبی، گذراندن دوره تبعید، گشت‌وگذار و مشاهده عینی اوضاع ایران و اصلاحات کشورهای همسایه به سفر زیارتی می‌رفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پاره‌ای از مهم‌ترین پیامدها عبارت بوده‌اند از: تأثیر آشتی‌جویانه و خشونت‌گریزانه سفرهای زیارتی بر روابط ایران و عثمانی و فراهم‌شدن تمهیداتی برای گفت‌وگوهای غیررسمی، افزایش آگاهی‌های عینی سیاست‌گذار پیکانه قاجار، درک ضرورت و مزایای اصلاحات با اثرپذیری از جریان نوخواهی در روسیه و عثمانی، غنای تاریخ‌نگاری با رشد سفرنامه‌های زیارتی رجال سیاسی و نمایش و القا قدرت سیاسی - فرهنگی ایران در اماکن زیارتی.

واژه‌های کلیدی: سفر زیارتی، حج، عتبات، رجال سیاسی، قاجار، امپراتوری عثمانی

*رایانامه نویسنده: vaezsh85@yahoo.com

۱. مقدمه

در قاعده هرم ساختار هرم اجتماعی ایران در دوره‌ی قاجار، فرودستان ایلات و عشایر، روستاییان و اقشاری از شهرنشینان قرارداداشتند و در فرادستان هرم قدرت «اعضای خانواده سلطنتی، اعیان و خوانین، تاجران، فئودال‌ها و علمای بزرگ» (Abrahamian, p 47) واقع شده بودند.

پیش از دوره‌ی قاجار، شاهان عمدتاً در وضعیت مناقشه‌آمیز پا در کشور رقیب می‌نهادند و کسب آگاهی از خط‌مشی کشورهای دیگر عمدتاً از طریق تجار، سیاحان، ازدواج سیاسی و دیپلمات‌هایی که برای مذاکرات صلح به کشور رقیب می‌رفتند امکان‌پذیر بود.

پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی این پرسش را مطرح نموده است که اهمیت پیامدهای سفر زیارتی مقامات حکومتی قاجار به اماکن مقدسه عتبات عالیات، مکه و مدینه چه بوده است؟ اهتمام این پژوهش به واکاوی اثرات متقابل سیاست و زیارت و پیامدهای سفر زیارتی بلندپایگان سیاسی ایران به عراق، عرب و حجاز، بُعد نوینی به پژوهش بخشیده است.

از آنجاکه پژوهش حاضر، به‌نوعی طرح اولیه‌ای از تأمل و تعمق درباره‌ی اثرات سفر مقامات حکومتی قاجار به برون مرزهای ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد، بر محوربندی ویژه‌ای متوقف نمی‌شود؛ تا در آتی، نگارنده یا دیگر پژوهشگران به فراخور نیاز تحقیقاتی و حوزه علاقه به بُعد خاصی از محوربندی‌های ارائه شده در این پژوهش پایه بپردازند.

۲. منابع و سوابق پژوهش

سفرنامه زیارتی ناصرالدین‌شاه و سفرنامه‌های مقامات سیاسی، از منابع باارزش برای تحقیق درباره‌ی سفرهای زیارتی رجال سیاسی دوره‌ی قاجاریه به‌شمار می‌رود. مجموعه هشت‌جلدی «پنجاه سفرنامه حج قاجاری» به‌کوشش رسول جعفریان در صورت‌بندی این پژوهش کمک بسیار کرد. در اثر ایشان مهم‌ترین خاطرات حج‌گزاران در دوره‌ی قاجار جمع‌آوری شده است و در نوشتار حاضر، انگیزه‌های حج‌گزاری رجال سیاسی و پیامدهای آن تحقیق و تحلیل شده است.

علیرضا علی‌صوفی در مقاله‌ی سفر زیارتی حج در دوره‌ی قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره‌ی قاجاری، عمدتاً به شرح دشواری‌های سفر زیارتی مانند نامناسب بودن راه‌ها، ناامنی و شرایط آزاردهنده‌ی «قرنطینه» (ص ۲۱) برای زائران پرداخته است، درحالی‌که

در پژوهش حاضر به تفصیل تأثیر آشتی‌جویانه سفر زیارتی بر روابط ایران و عثمانی و دیگر پیامدها مورد تأمل قرار گرفته است.

همچنین در مقاله‌ای با نام «نقش و اهمیت مذهبی، فرهنگی و اجتماعی راه عتبات با تکیه بر آمدوشد زائران شیعی در دوره‌ی قاجار» که همپوشانی زمانی با پژوهش حاضر دارد، نویسندگان ارتباط معناداری بین بازسازی راه‌های تجاری و آمدوشد کاروان‌های زیارتی فرض نموده‌اند؛ و یادآور شده‌اند که «تلاش ناصرالدین‌شاه در توسعه و بازسازی راه‌ها» (سلطانی مقدم، ص ۱۶۶) از متغیرهای اثرگذار بر افزایش نرخ سفر بوده است. تفاوت پژوهش حاضر در آن است که نه تنها انگیزه و فلسفه سفر مقام‌های سیاسی به زیارت را مورد توجه قرار داده؛ که پیامدهای سفر رجال سیاسی را از وجوه مختلف نیز جستجو کرده است.

۳. مفاهیم و اصطلاحات

در پژوهش حاضر از چند اصطلاح بهره گرفته شده که در اینجا معنا و مراد از کاربرد آن مفاهیم به اختصار بیان می‌شود:

۱.۳. سفر زیارتی

هدف از سفر زیارتی، الهام و نیروگرفتن از وجود مدفون در اماکن مقدس و رسیدن به «خود واقعی انسان» است. در تصور زائر در اماکن مقدس می‌توان نمادها و نمودهایی از وجود باری تعالی را حس کرد.

اصطلاح زائر، تصویر شخصی را به ذهن می‌آورد که از درون رویدادها و شرایطی که هستی انسان را تعریف می‌کنند حقیقتی ژرف‌تر را می‌یابد (تیزیانو چیاوردینی، ص ۷۴). این اصطلاح، در نوشتار حاضر در معنای سفری برای کسب اندوخته‌های معنوی به کار رفته است.

۲.۳. زائر - سیاست‌گذار

پژوهش حاضر، زائر - سیاست‌گذار را در معنای زائر صاحب‌منصب سیاسی به کار برده که برای یک مأموریت غیرمذهبی و با هدف غیرزیارتی به عثمانی سفر کرده و به توفیق زیارت هم نائل شده و هم به مثابه سفر مقام بلندپایه سیاسی به کار رفته که در اثنای سفر زیارتی، مساعی خود را برای حل‌وفصل تنش‌های موجود میان دو کشور به کار برده‌اند. یکی از مبالغه‌ها درباره‌ی ناصرالدین‌شاه که پس از مرگ به «شاه شهید» (میرزا

احمدخان عضالدوله، ص ۸۵) شهرت یافت، همان کربلایی شدن ناصرالدین‌شاه و سفر زیارتی‌اش بود.

۴. انگیزه‌ها و چرایی سفرهای زیارتی برون‌مرزی مقامات حکومتی قاجار

خاتمه جنگ‌های ایران و عثمانی، پیشرفت‌های تکنولوژیک در زمینه‌ی حمل‌ونقل و همکاری ایران و عثمانی برای مهار بیماری‌های مُسری، از جمله متغیرهای اثرگذار بر افزایش نرخ سفر زیارتی در دوره قاجار شده بود، به‌طوری‌که فرهادمیرزا با شگفتی می‌نویسد: «حساب کردیم (فقط) ده نفر از اولاد خاقان مغفور فتحعلی‌شاه در قافله حج بودند» (فرهاد میرزا، ص ۲۰۷). این درحالی است که مؤلف معشوق‌السفاره تصور می‌کرد سلاطین و شاهزاده‌ها، تنها دو هدف از سفر داشتند: یا «به‌واسطه تسخیر بلاد» یا به جهت «گردش و تغییر آب‌وهوا» (معشوق‌السفاره، ص ۱۰۶) و شق سومی که عبارت از سفر زیارتی باشد در خاطرش هم نمی‌گنجیده است.

از مهم‌ترین انگیزه‌های عمومی سفر زیارتی عبارت‌اند از: بازشناسی جهان، ایجاد تعادل بین زندگی این‌جهانی و آن‌جهانی، شفیع قراردادن و استعانت از ذوات مقدسه و «تخفیف آلام، ترس‌ها و تهدیدها» (واعظ، ص ۱۹۳).

اهداف و انگیزه‌های سفر رجال دوره قاجار از سفر زیارتی به اماکن زیارتی برون‌مرزی را می‌توان در سه دسته به شرح زیر محوربندی کرد:

۱.۴. انگیزه‌های سیاسی

مقام‌های بلندپایه قاجار با دو انگیزه متفاوت سیاسی، زیارت را بهانه‌ای برای نیل به اهداف قرار می‌دادند: گروه نخست؛ کسانی که در بدنه قدرت بوده مانند ناصرالدین‌شاه، شاهزادگانی چون عضدالملک و میرزا عبدالحسین فراهانی که با هدف کسب یا تقویت مشروعیت و برای ساماندهی به روابط تنش‌آمیز ایران و عثمانی و سازمان‌دهی به خط‌مشی زیارتی، آهنگ سفر می‌کردند.

التون بر این باور بود که سفر زیارتی شاه به عتبات وجهه «تشریفات داشته» (ص ۹۹۰) است. از آنجایی که سفر ناصرالدین‌شاه در نوع خود از نامتعارف‌ترین سفرهای (علیزاده، ص ۲۸۲) مقامات عالی حکومتی به‌شمار می‌رفت، تأمل درباره‌ی انگیزه‌های زائر تاج‌دار، پرتوی دقیق بر پژوهش خواهد افکند. ناصرالدین‌شاه به دلایل ناهم‌خوانی چون تحکیم روابط نوپا با عثمانی، مشاهده نتایج و مزایای رفورم در عثمانی و تفنن‌خواهی ناصری راهی سفر عتبات عالیات شد.

گروه دوم، کسانی بودند که از گردونه‌ی قدرت حکومت قاجار بیرون رانده شده و به بهانه‌ی زیارت، قصد سفر می‌نمودند. عتبات عالیات یکی از اماکنی بود که رجال مغضوب چون عباس میرزا برادر ناصرالدین‌شاه (ملک‌آرا، ص ۵۲) یا به‌حالت خودتبعیدی، یا به توصیه‌ی دیگران، یا حتی به وساطت افراد ذی‌نفوذ، راهی (اوکانر، ص ۶۵) زیارتگاه‌ها می‌شدند؛ تا از غضب حکومتگران «خودکامه» (ظل السلطان، ص ۵۷) قاجار در امان بمانند. همچنین، اشخاصی چون اللهیارخان آصف‌الدوله در عراق به دلایل سیاسی پناه می‌گرفتند تا پس از به‌هم‌ریختگی اوضاع بتوانند به ایران بازگردند و گاهی تحرکات خود را در پوشش «عزم زیارت» (جهانگیرمیرزا، ص ۳۱۰) انجام می‌دادند. نمونه‌ی دیگر از رجالی که به دلایل سیاسی عزم سفر زیارتی کرد، امین‌السلطان بود که پس از سال‌ها تجربه‌ی صدرات عظمایی از مقام خود استعفا داد و «اجازه» (هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۹۵) گرفت دوران انفصال از خدمت خود را به «زیارت بیت‌الله» (هدایت سفرنامه مکه، ص ۵) برود.

۲.۴. انگیزه‌های اجتماعی

ارتقای جهان‌بینی، تفریح، سیروسیاحت و گشت‌وگذار در خارج از کشور از دیگر انگیزه‌های زائر-سیاست‌گذاران بود که سفر زیارتی توجیه لازم را برای آن فراهم می‌کرد؛ مانند حسام‌السلطنه و فراهانی که عامداً مسیر شمالی سفر به حج را برمی‌گزیدند. آوازه‌ی ترقی و مدرن‌سازی کشورهای همسایه و اشتیاق به دیدن مظاهر پیشرفت عثمانی و روسیه، همچون سیستم «اطفای حریق» (فراهانی، ص ۱۱۴)، «چاپخانه و حجره‌های کتابفروشی» (افشار، ص ۵۲۱) و قدم‌زدن در «گردشگاه‌ها» (فراهانی، ص ۹۴) و سرک کشیدن در «تئاتر و تماشاخانه‌ها»ی به سبک فرنگ و سوارشدن بر «شماندفر»؛ و مشاهده «معلم‌خانه‌های زنانه» (حسام‌السلطنه، ج ۴، ص ۳۱۱) را می‌توان از انگیزه‌های اجتماعی کمتر طرح‌شده دانست که به بهانه‌ی سفر زیارتی صورت می‌پذیرفت.

۳.۴. انگیزه‌های فرهنگی

«تعهدمذهبی» (هدایت، خاطرات و خطرات ۱۰۵) عهد و پیمان معنوی و «تهذیب نفس» (امین‌الدوله، ص ۲۹۰) از دیگر انگیزه‌های برخی از حکومتگران قاجار بود که به سفر زیارتی حج و عتبات عالیات می‌رفتند و مرارت‌های سفر را برجان می‌خریدند.

میرزا عبدالحسین خان افشار از مقامات بلندپایه نظامی، به‌صراحت به انگیزه‌ی صفا و جلای روح در اثنای سفر می‌پردازد و بارها به اینکه بر اثر شوق زیارت به «گریه» (افشار، ص ۵۹۱) افتاده است، اشاره می‌کند.

همچنین، حضور در کلاس‌های درس و استماع سخنان «علما بزرگ» (p, 63 Aghighi) در اماکن زیارتی از دیگر اشتیاق‌های بعضی از زائر - سیاستگذارها به‌شمار می‌رفته است.

۵. پیامدهای سفرهای زیارتی عالی‌رتبه‌گان حکومتی ایران در قرن نوزده

درباره‌ی بازخورد سفر عالی‌رتبه‌گان سیاسی، نوعی انتظار حداکثری وجود داشت، برای نمونه امین‌الدوله، شاه را سرزنش می‌کند؛ که به‌جای گرفتن امتیاز از عثمانی‌ها بابت خزائن انباشته از نذورات ایرانی در عتبات، با کوتاه‌بینی سیاسی مجذوب‌صحنه‌های کم‌اهمیتی چون «نصب پارچه سرخ به چادرهای قشون» (امین‌الدوله، ۲۹) عثمانی شده است.

از آنجایی که متغیر شخصیت، پایگاه اجتماعی و سطح درک مشاهده‌گر، بر تلقی و دریافت و چاره‌جویی‌ها اثر می‌گذارد؛ در این نوشتار کوشش شده است تا پیامدهای سفر رجال سیاسی بزرگ‌نمایی نشود. با ملاحظه‌های فوق، برخی از مهم‌ترین پیامدها به شرح زیر تشریح و تحلیل شده است:

۱.۵. کارکرد آشتی‌جویانه سفر زیارتی رجال سیاسی بر روابط ایران و عثمانی

باتوجهبه پیشینه درازمدت کشاکش‌های ایران و عثمانی، برای بازنگری و عادی‌سازی روابط، نیاز به بهانه‌هایی بود؛ که سفرهای زیارتی مقامات عالی حکومتی از ایران به عثمانی، فضای مناسب برای این منظور را ایجاد می‌کرد. تأملی در علل و عوامل مؤثر بر رشد نرخ سفر برون‌مرزی زیارتی در نیمه دوم قرن نوزدهم نشان‌دهنده‌ی آن بود که خاتمه جنگ‌های ایران و عثمانی مجال برای صلح فراهم آورده و از آن فرصت مقام‌های حکومتی برای اظهار آشتی و اعلام حسن‌نیت به بهانه حُسن انجام سفر زیارتی بهره‌بردند. از چند راه و طرح آزموده شده در تأمین صلح در روابط بین‌الملل که عبارت‌اند از «سیاست موازنه قوا» (www.hawzah.net/fa/seminar/view69997)، اعمال محدودیت هنجاری برای اخلاقی‌ساختن روابط بین‌المللی، تهییج افکار عمومی صلح‌طلبانه و تقویت «منش صلح‌خواهانه»، به‌نظر می‌رسد خواست آخرت‌گرایانه و تمنای صاحب‌منصبان ایرانی برای سفر برون‌مرزی زیارتی، یکی از موارد نادر اثرگذاری هنجار بر سیاست

خارجی قاجارها بوده است. کارکرد آشتی‌جویانه سفرهای زیارتی بر روابط ایران و عثمانی از راه‌ها و به شکل‌های زیر امکان بروز یافت:

۱۱۰۵. انجام تشریفات دیپلماتیک و حرمت‌گذاری به وابستگان حکومتی ایران از سوی عثمانی با پایان ستیزه‌جویی بین ایران و عثمانی، در ماده دو «عهدنامه ارزنة‌الروم»، نه تنها عثمانی‌ها متعهد می‌شوند که با حجاج ایرانی مانند دیگر حجاج بلاد اسلامی رفتار نموده و تبعیضی قائل نشوند، بلکه از آن فراتر متعهد می‌شوند که تشریفات دیپلماتیک را برای مقام‌های دربار اجرا نمایند و «از مخدرات و حرم‌های شاهزادگان عظام و سایر اکابر دولت بهیبه ایران که به مکه معظمه و عتبات عالیات می‌روند فراخور مرتبه ایشان حرمت و اعزاز شود.» (میرزا صالح، ج ۱، ۲۷۳)

بنابراین، در یکی از نامتعارف‌ترین نوع همکاری سیاسی بین کشورها، کارگزاران عثمانی با عضدالملک که از سوی وزارت امور خارجه ایران مأمور انتقال خشت‌های طلایی اهدایی شاه ایران و انجام آیین «نذر بری» به عتبات بود، به جهت سهولت و امنیت سفر وی، به‌طور گسترده همکاری نموده و تشریفات فوق‌العاده‌ای برای وی و هیئت همراه اعمال کردند.

در هنگام سفر زیارتی ناصرالدین‌شاه، انجام تشریفات دیپلماتیک برای استقبال از شاه و عالی‌رتبگان سیاسی زائر در عتبات و «اردوی انجم شکوه» (معشوق‌السفاره، ص ۱۱۰)، بهانه مناسبی برای اظهار جنگ‌گریزی از سوی عثمانی فراهم کرد تا نشان دهند تمایلی به بروز و تشدید معضلات سیاسی در این سوی مرزهای خود در نیمه دوم قرن نوزده ندارند.

در روزهای خاطره‌انگیز اقامت شاه ایران در عراق، عثمانی‌ها فرصت را برای رفع کدورت‌های سیاسی گذشته غنیمت شمرده و ناصرالدین‌شاه نیز بنابر اقتضای اعتبار شاهانه با اعطای انعام به «فوج و سواره ملتزم رکاب» (ناصرالدین، ص ۵۲) و «مدارس ایتام و مریضخانه و افواج عثمانی» (ناصرالدین، ص ۱۸۳) آنان را نواخت؛ و سعی کرد زنگار غبار و تیرگی‌های سیاسی فی‌مابین را به این واسطه‌ی خیر، بزدايد.

از سوی دیگر، عثمانی‌ها به‌خاطر سفر شاه ایران، تدابیر ویژه‌ای چون تعریض راه‌ها و معبرسازی را تدارک دیدند، چنانچه ناصرالدین‌شاه یادآور می‌شود «به‌هنگام آمدن ما به کربلا، راه عون را ساخته‌اند» (ناصرالدین شاه، ص ۹۳) و سرعسگر (فرمانده عالی سپاه عثمانی)

را به خاطر آنکه فارسی می‌دانست منصب پاشایی داده و او را «مهماندار» (فرهادمیرزا، ص ۱۰۰) ویژه شاه ایران در سفر زیارتی نمودند.

تلاش‌های دلجویانه‌ی عثمانی‌ها از چشم تیزبین عضدالملک هم پوشیده نمی‌ماند، در زمان سفر زیارتی وی «همه‌ی قائم‌مقام‌ها و مدیران و صاحب‌منصبان دولت عثمانی (عضدالملک، ص ۱۴۹) به دیدار وی رفته و از آن فرصت برای اظهار و تشدید دوستی نوپا استفاده می‌کردند و برای وی ضیافت چشمگیری برپا نمودند.» تحت تأثیر این میزان از احترام، عضدالملک هم در واکنشی دیپلماتیک، از بقعه ابوحنیفه امام اعظم سنیان دیدار و در واقع به میزبانان ادای احترام متقابل نمود. همچنین پس از ورود فخرالملک به خانقین «اسماعیل بیگ نایب خانقین با رئیس قرنطین و حکیم قرنطین در معیت سواره نظام عثمانی» (فخرالملک، ص ۳۱) به دیدار وی رفته و حرمت او را نگه‌داشته‌اند.

حتی خواجه‌های حرم، شاهزاده‌ی ایرانی حسام‌السلطنه را در تخت روان به زیارت و استلام حجرالأسود می‌بردند؛ وی در اثنای سفر به «قصر سلطان» (حسام‌السلطنه، ص ۸۱) عثمانی هم می‌رود. در تداوم رویه‌ی آشتی‌جویانه عثمانی با زائر-سیاست‌گذاران ایرانی و به حرمت حضور مقام حکومتی ایران، «ملاحظه‌ی دیگر حجاج هم می‌شد و آن‌ها را «اذیت نمی‌کردند» (حسام‌السلطنه، ۱۱۷). به این ترتیب، هرچند در ایران حضور شاهزادگان پرشمار قاجاری در دسرساز بود و سلطه‌ی مضاعفی بر دوش ستمدیدگان در ساختار حکومت مطلقه‌ی پادشاهی بودند؛ در بیرون از مرزها از برکت سفر زیارتی شاهزادگان قاجار و به حرمت حضور ایشان، اندکی از رنج سفر برای دیگر زائران کاهش می‌یافت. سکینه‌السلطان همسر ناصرالدین‌شاه نیز، توصیه‌نامه معتبر دولتی برای «رئیس خانقین» برد تا همچون دیگر زائران «ارباب و ائاتیه» (وقارالدوله، ص ۴۵) وی را چندین و چندباره نگردند و به او اجازه عبور بدهند.

۲.۱.۵. زمینه‌چینی برای گفت‌وگو بین مقام‌های ارشد سیاسی ایران و عثمانی

به اقتضای کارکرد صلح‌جویانه‌ی سفرهای زیارتی، هرگاه مقامات بلندمرتبه‌ی سیاسی قاجاری به این واسطه به عثمانی می‌رفتند، فرصتی برای مذاکره درباره‌ی مناقشه‌های طرفین فراهم می‌شد. چنانچه ناصرالدین‌شاه یادآور می‌شود که در خانقین زمینه برای مذاکره درباره‌ی مشکلات و اختلافات کهن و جدید مانند اقدامات غارت‌گرانه و تحریک‌آمیز عشایر مرزی «سیبکی وزلام» (ریاحی، ص ۳۲۱)، «مسائل مرزی» (ریاحی، ص ۳۱۷) مهیا شد. یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد گفت‌وگو دست‌کم از دید این پژوهش، چاره‌جویی

برای تخفیف مخاطرات و تحقیر و توهین و «آزار زائران ایرانی» (ریاحی، ص ۳۳۵) در اثنای سفر زیارتی بود.

از مقامهای حکومتی ایران هم این امید و انتظار قوی می‌رفت تا راهکاری بر معضل آزار زائران بیندیشند و شاید در نتیجه‌ی همین مذاکرات و تضمین امنیت زائران بود که شمار زائران به حدود «۳ هزار نفر» (التون ۹۸۹) رسید.

ناصرالدین‌شاه در اثنای سفر زیارتی، با حضور وزیر امور خارجه‌ی عثمانی، ناظم افندی و شارژدافر مقیم تهران، فهمی افندی شه‌بندر عثمانی و میرزا هادی‌خان کارگزار مهمام خارجه کرمانشاهان و میرزا موسی گیلانی ناظر امور سرحدیه (ناصرالدین، ص ۵۲) به گفت‌وگو درباره حل‌وفصل مسائل مرزی پرداخت، همچنین به‌هنگام اتراق، «بعضی گفت‌وگوها» و «صحبت‌های مناسب» صورت داد. در طول مسیر هم، بین شاه و کارگزاران سیاسی ایران در عثمانی نامه‌هایی ردوبدل می‌شد. آن‌ها درباره‌ی موضوعات مختلفی با «پاشاها و معتمدالملک‌ها» (ناصرالدین، ص ۱۱۷) گفت‌وگو می‌کردند؛ از جمله مسئله‌ی کوچ‌روهای عشایری و مشخصاً «سرق‌ت احمدوندها» و یا موضوع دفن اجساد در اماکن مقدسه یا موضوع «پول‌گرافی» که از «نعش‌های ایرانی در هرجا و هرکجا» (سفرنامه منظوم ۵۷۰ جعفریان) گرفته می‌شد.

همچنین، به‌نظر می‌رسد چاره‌جویی برای مسئله‌ی ملزم‌سازی علما و مجاوران ایرانی به تابعیت عثمانی که از تبعات «پروژه ملت‌سازی، دولت‌سازی» بود از دیگر محورهای مهم گفت‌وگو بین عالی‌رتبگان سیاسی زائر با کارگزاران عثمانی بوده است.

مهم‌ترین گلایه روحانیون مقیم عراق، نادیده‌انگاری شأن و «منزلت علمای شیعی» (Aghighi, p.63) و ملزم‌سازی آن‌ها به تابعیت اجباری عثمانی بوده است؛ ولی دست‌کم در ظاهر، علما به حکومت ناصری اظهار وفاداری می‌کردند. چه، به گفته‌ی یکی از آنان «پانزده‌سال و بیشتر است که پرورده نعمت دولت همایون ایرانم.» (عضدالملک، ص ۱۴۰)

حکومت عثمانی گاه حرمت «روحانیون ایرانی مقیم عراق» (Avery, v7, p. 323) را نگاه نداشته و آن‌ها را به انجام خدمت نظام‌وظیفه در عثمانی مجبور می‌کردند. علما از زائر-سیاست‌گذارانی چون فخرالملک تقاضا می‌کردند که «از دولت عثمانی خواهش کنند، ما عجم‌ها که در خاک عثمانی هستیم و علما هستیم شایسته نیست عسکر بدهیم» (فخرالملک، ص ۲۶). شایان یادآوری است که علمای ساکن شهرهای زیارتی چونان شمشیر دو لبه‌ای بودند که حکومتگران قاجار نگران «جلب علما» (هدایت، ص ۷۰) بر ضد ایران و عثمانی‌ها نیز نگران تحریک علمای شیعی بر ضد کارگزاران سنی عثمانی

بودند که رفع نگرانی‌های دوسویه احتمالاً یکی از موضوعات گفت‌وگوی غیررسمی مقامات عالی‌رتبه حکومتی در موسم سفر زیارتی بوده است. کنترل بر خزائن عتبات و دریافت وجوهات، موقعیت منحصر به فردی به علما داده و به شهرهای زیارتی و «مشاهد مبارکه عراق» (رجبی، ص ۳۱۵) نوعی «خودمختاری» (ایوری، ص ۱۷۵) بخشیده بود، به همین خاطر احتمال می‌رود گفت‌وگو درباره‌ی وضعیت چندوجهی علما از موضوعات اصلی مذاکرات بوده است. فرهادمیرزا معتمدالدوله از سیاستمداران برجسته‌ی قاجار، در اثنای سفر زیارتی و درگاه دیدار با سلطان، پیشنهاد اتحاد معنوی ایران و عثمانی را می‌دهد. چه، به‌زعم وی «این اتحاد دولتین باعث منافع کثیره برای رعایای دولتی نخواهد شد» (فرهادمیرزا، ۱۱۰). به این ترتیب، طرح و تعقیب اندیشه‌ی اتحادگرایی (Vaez, WOCOMS, July 19th-24/2010) و همگرایی به‌جای کوبیدن بر طبل ستیزه‌جویی را می‌توان از پیامدهای این سنخ از سفرها قلمداد کرد.

۲.۵. افزایش آگاهی عینی و کاربردی عالی‌رتبه‌گان سیاسی قاجار در اثنای سفر مشاهدات شاهانه در سفر زیارتی ناصرالدین‌شاه، در جایگاه مهم‌ترین مقام تصمیم‌گیرنده در ساختار سیاست و حکومت ایران، تجربه بدیع و منحصر به فردی در اختیار وی قرار می‌داد؛ که جز از راه سفر برای وی مقدور نبود و آنچه درباریان متملق از سر ترس و یا فرصت‌طلبی به وی منتقل نمی‌کردند، در یک مشاهده عینی شخصاً با آن روبه‌رو می‌شد و در نتیجه در اثنای سفر زیارتی و یا با مشاهدات عینی، زمینه برای بازنگری در خط‌مشی‌گذاری‌ها با تولید تصمیم نوین فراهم می‌شد. در اثنای همین سفر زیارتی بود که ناصرالدین‌شاه شخصاً از راه‌ها، مدارس اسدآباد همدان دیدار کرد و به یک کاستی سیاست‌گذاری معترف شد که «راه کالسکه چندان خوب نیست» (ناصرالدین‌شاه، ص ۳۳). شاه «خودنما و متلون» (کرمانی، ص ۱۰۰) از پرتو سفرهای زیارتی در مسیر رفت و بازگشت از عراق اطلاعاتی ارزنده درباره‌ی وضعیت جغرافیایی، نهادها، تعداد خانوار، اوضاع اقتصادی و گاه اعتقاد مردم شهرهای مرزی قلمرو تحت امر خود به‌دست می‌آورد. همچنین وزرا و قاجار در اثنای سفر زیارتی، در یک دیدار چهره‌به‌چهره با پاره‌ای از مشکلات و نارسایی‌های اداری به‌خصوص در نقاط دوردست مرزی آشنا می‌شدند و برای آن چاره‌جویی می‌کردند. برای مثال، فخرالملک اردلان یکی دیگر از صاحب‌منصبان سیاسی آن دوره، ضمن اشاره به وجود قحطی «عتبات» (فخرالملک، ص ۲۴) تصویر واقع‌گرایانه ذیل را از اوضاع شهرهای زیارتی عثمانی ترسیم می‌نماید:

«اسمی از سکه‌های عثمانی شنیده می‌شود، ابدأ خودشان پول ندارند واقعاً اگر دو سال زوار مشرف نشوند همه کسبه اینجا ورشکست خواهند شد. قران امین‌السلطانی و پول سیاه خودمان خیلی رواج است... به این زوار بیچاره خیلی بد می‌گذرد زیرا هر جا بتوانند گمرک می‌گیرند.» (فخرالملک، صص ۲۴ و ۷۷)

نجم‌الدوله، بر پایه مشاهدات عینی حین سفر زیارتی هشدار می‌دهد که «چگونه حکومت با استقرار سی چهل نفر سواره مفلوک با تفنگ‌های مغشوش» می‌خواهند در مقابل دزدان سرحدی چابک زیست کنند و قوافل زوار را بگذارانند (نجم‌الدوله، ص ۱۹۰). از شواهد فوق چنین بر می‌آید که سفر زیارتی مقامات حکومتی به فرامرزیهای ایران در قرن نوزدهم، یکی از معدود راه‌هایی بود که آگاهی عینی صاحب‌منصبان سیاسی قاجار، از جغرافیای سیاسی را ارتقا داده و بر عمل‌گرایی آن‌ها تأثیر می‌گذاشت و «آن‌ها قدری اطلاعات اساسی‌تر و عملی‌تر از جغرافیای ایران و همسایگان» پیدا می‌کردند. آگاهی‌های عینی حین سفر و مقایسه‌ی اوضاع خود با دیگران در اثنای سفر زیارتی رجال سیاسی بر هویت آن‌ها اثر می‌گذاشت.

۳.۵. درک ضرورت نوسازی با تأثیرپذیری رجال سیاسی از جریان نوگرا در عثمانی و روسیه در دوره‌ی قاجار، یکی از راه‌های آشنایی با فرهنگ و تمدن غرب انجام سفر زیارتی از مسیر روسیه و عثمانی بوده که تاکنون و البته تا لحظه نگارش این پژوهش در کمتر پژوهشی از این زاویه به موضوع نگاه شده است. در قرن نوزدهم از چند مسیر امکان رفتن به سفر زیارتی حج بود: یکی مسیر دریایی از جنوب ایران به جده، دیگری مسیر معروف به راه جبل و سومین راه از «اسلامبول به جده» (محمدولی میرزا قاجار، ام‌القرآ، ص ۲۷۵ در سفرنامه حج قاجاری)^۱ مقام‌های بلندپایه‌ی قاجاری عموماً راهی که از اسلامبول می‌گذشت را به دلیل ملاحظاتی چون امنیت، دوره زمانی سفر، صلاحیت‌دارها، وسایل حمل‌ونقل پیشرفته‌تر و شرایط حاکم بر روابط ایران و عثمانی و البته انجام توأمان زیارت و سیاحت، برمی‌گزیدند.

حسام‌السلطنه شاهزاده قاجاری یکی از زائرانی است که با کشتی و راه‌آهن از شهرهای بادکوبه، حاجی طرخان، کیف، ادسا، استانبول، رودس، پورت سعید به جده و سرانجام به مکه می‌رود. وزیر وظایف از دیگر کسانی است که از همین مسیر به زیارت رفته بود. به سبب مرارت‌هایی که به خصوص برای «طهارت» (وزیر وظایف به کوشش قاضی عسگر، ۶۹) متحمل شده بود از این مسیر هم شکوائیه دارد؛ اما خلاف نظر وی، نجم‌الدوله به زائران دیگر پیشنهاد می‌دهد که از مسیر اسلامبول به «جده» (نجم‌الملک، سفرنامه

شیرین و پرماجرا، میقات حج شماره ۱۹، ص ۱۸۵). برونند. این گروه از زائران، در بررسی‌های تطبیقی اوضاع خود در طول این مسیر، علاوه بر خودآگاهی بر چیستی و کیستی و اثرات هویتی، تحت تأثیر الگو و رویه‌های غربی قرار می‌گرفتند و به‌رحال چون در مدار قدرت و در زمره حلقه‌های تصمیم‌سازی در دوره‌ی قاجار قرار داشتند؛ امکان اثرگذاری بیشتری داشتند.

ساختار رفورم‌شده‌ی ارتش عثمانی و مدارس، روشنایی خیابان‌ها، پل‌های عظیم، اختلاط زن و مرد در تفرجگاه‌ها، از جمله سوژه‌های تأمل‌برانگیز و اثرگذار بر ذهن زائران و الامقام سیاسی ایرانی در اثنای سفر زیارتی از مسیر روسیه و عثمانی بود؛ چنانچه، زائر بلندپایه‌ای یادآور می‌شود: «اگر هموطنان من در این اوراق به نظر تدقیق تأمل نمایند و از اوضاع ممالک متمدنه آگاه شوند، خواهند دانست که عالم تمدن چیست و چگونه باید در این عالم زیست.» (هدایه الحجاج، ۵۵۵)

حسام‌السلطنه در حین سفر زیارتی، از مدارس امریکایی عثمانی دیدن کرده و با نگاهی تحسین‌آمیز شرح می‌دهد که «اشتغال شما در کسب علوم خیلی مطبوع و پسند خاطر افتاد» (حسام‌السلطنه، ص ۸۴). قونسول عثمانی رسماً از این شاهزاده زائر ایرانی برای دیدن «اسباب اطفای حریق که در فرنگستان متداول» (همان، ص ۶۵) بوده دعوت به‌عمل می‌آورد.

یعقوب میرزای تبریزی هم توصیف به‌نسبت دقیقی از تکنولوژی کشتی بخار، تأسیسات داخلی آن و حتی ساخت قراول‌خانه‌های روسی و «تیاترخانه»، «دوربین» و «پل‌سازی» شهر تفلیس دارد و سپس این پرسش سرنوشت‌ساز را طرح می‌کند که چرا این‌قدر فاصله تکنولوژیک بین ایران و روسیه افتاده است؟ در استانبول وقتی عملکرد «تلونبه» را می‌بیند عزم می‌کند یکی از «استادان تلونبه» را در پیش خود نگه دارد و به وی موجب دهد و او را به تبریز ببرد.» (حج منصور در سفرنامه‌های حج، ج ۲، ص ۲۱۷)

البته اظهار نگرانی از مهارناپذیری نفوذ فرهنگ غرب و شرمساری از توسعه‌نیافتگی ایران، همچون همه رویارویی‌های سنت و تجدد به اندیشه زائر-سیاست‌گذاران نیز راه یافته بود.

چنانچه فراهانی از احتمال خطر جمهوری‌خواهی و سکولاریسم که از نظر وی جامعه و نهاد سلطنت را به قهقرا می‌برد، اظهار نگرانی می‌کند (التون، ص ۹۹۸)؛ و هشدار می‌دهد: «عن‌قرب این عادات (رقص زنان و مردان در جمع) به اهل عثمانی زودتر و به

اهالی ایران قدری دیرتر سرایت خواهد کرد.» (فرهادمیرزا، ص ۱۰۷) همان رفتاری که از نظر زائر دیگری به نام میرزا داوود، وزیر وظایف «چندان عیبی نداشت» (وزیر وظایف، ص ۷۸). سیفالدوله نیز همچون فراهانی از تأثیرپذیری ایرانی‌ها از آنچه در تفلیس می‌گذشت به این شیوه اظهار دلواپسی می‌کند:

«قبحه‌خانه‌ها هم باز و در کار است. عالمی است سوی عالم ما جز پرهیز و خداپرستی، هرچه تصور شود موجود است خداوند حفظ کند مسافرین ملت اسلام را در این ولایات از شر شیطان و سرکشی نفس اماره» (سیفالدوله، ص ۴۹).

۴.۵. نگارش سفرنامه‌نویسی زیارتی زائر- سیاست‌گذارها با رویکرد سیاسی-اجتماعی

اهتمام به نگارش سفرنامه یکی از پیامدهای سفرهای زیارتی مقامات حکومتی دوره قاجار بوده است. گرچه ثبت خاطرات شورانگیز زیارتی منحصر به رجال سیاسی نبوده است؛ ولی تجارب سیاسی و پایگاه اجتماعی آنان سبب می‌شد که به مقوله‌هایی که اهمیت و سرشت سیاسی داشتند توجه نشان داده و از طریق سفرنامه‌های خود توجه مخاطبان را به پیشرفت‌های مدنی روسیه، عثمانی، مصر و وضعیت ایرانی‌های مقیم کشورهای مسیر سفر زیارتی با رویکرد سیاسی معطوف کنند.

برخی از زائر-سیاست‌گذارها مانند عضدالملک و فراهانی، به ارائه گزارش سفر برای شاه موظف می‌شدند. برای نمونه عضدالملک، اطلاعات ذی‌قیمتی را از مأموریت مذهبی خود در انتقال نذر شاهانه، با ذکر دقیق مکان‌ها، مبلغ نقدینگی و سخنانی که بین او مقامات عثمانی یا کارگزاران ایران در عثمانی ردوبدل شده، ثبت می‌نماید و در سرآغاز سفرنامه‌اش می‌نویسد: «روزنامه‌ای است که برحسب امر... شاهنشاه... آنچه دیده و شنیده معروض پیشگاه اقدس همایونی می‌دارد.» (عضدالملک، ص ۱۷)

ترکیب جمعیتی شهرهای مسیر عبور زائر-سیاح‌ها (سفرنامه‌های حج قاجاری، ج ۲، ص ۳۷) و محل‌های استراحت و اقامت از دیگر اطلاعات ذی‌قیمت موجود در سفرنامه حج رجال سیاسی است. درباره ساختار قومی و بافت اعتقادی شهرهای مرزی و شیوه صدور «تذکره» (سیفالدوله، ص ۴۵)، می‌توان مطالب قابل‌تأملی یافت. به این ترتیب، این آگاهی‌های کمیاب به پربارسازی تاریخ‌نگاری دوره قاجار می‌انجامید.

حتی، در سفرنامه‌ی حاج ایاز، آگاهی درخور پژوهشی مبنی بر زندگی کوچ‌نشینان قشقایی در بخش‌هایی از عراق مثل سماوه (حاج ایاز، ص ۱۵) وجود دارد.

ارائه اطلاعات بسیار باارزش درباره‌ی رابطه‌ی کشورهای اسلامی با کشورهای فرنگی یا به تعبیر امروز غربی، مثل برپایی «مراکز دینی» و «مدرسه‌سازی» (سفرنامه‌های حج

قاجاری، ج ۲، ص ۱۰۹) و همچنین اخبار فاجعه‌ی «انتقال اشیای عتیقه»ی (سفرنامه‌های حج، ج ۲، ص ۲۶۰) کشورهای اسلامی به وسیله‌ی فرنگی‌ها، از دیگر مزایای گزارش‌نویسی رجال سیاسی زائر بوده و تاریخ‌نگاری دوره قاجار را به این واسطه رونق می‌دادند.

آگاهی درباره‌ی تعامل‌های ناگزیر فرهنگی میان شهرهای مرزی در سفرنامه‌های زیارتی رجال را می‌توان از دیگر پیامدهای مثبت سفر آنان تلقی کرد. برای نمونه، سیف‌الدوله درباره شماخی می‌نویسد: «چند کاروانسرای خوب و دو سه کلیسای عالی دارد و چهار حمام به رسم ایران دارد.» (سیف‌الدوله، ص ۳۳)

درنگی بر توصیف تحولات روسیه در سفرنامه‌های زیارتی نشان می‌دهد که «روسیه بر نگرش حجاج ایرانی در قبال غرب» (آدمیت، انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران، ص ۶) تأثیرگذار بوده؛ و زمینه‌ی معرفت به پیشرفت‌ها و جریان مدرن‌سازی در روسیه و عثمانی را فراهم می‌کرده است. توجه به اخبار و احوال زائران ایرانی شیعی در اماکن زیارتی، یکی از اجزای اصلی گزارش سفر رجال سیاسی بوده است، «تحولات عراق از موضوعات مورد علاقه‌ی شیعیان بود که خود را از آن جدا نمی‌دیدند» (جعفریان، ص ۲۰)؛ و توجه ویژه رجال سیاسی در سفرنامه‌های زیارتی «در تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری شیعه حائز اهمیت است» (حضرتی، ص ۳۳).

در سفرنامه‌های زیارتی وجوه کمترگفته‌ای درباره آمار «زائران» (فراهانی، ص ۲۰۴)، سنت خاک‌سپاری (علیزاده، ص ۲۲۳)، اجساد شیعیان ایرانی (وظایف، ص ۲۲۸) در عتبات و سوءاستفاده‌هایی چون اخذ «پول نعش» (منجم‌باشی، ص ۸۱۲) تشریح شده است. ثبت گزارش رقت‌انگیز از آزار سیستماتیک عجم‌ها در اماکن زیارتی از دیگر رویکردهای سیاسی رجال در سفرنامه‌نویسی زیارتی بوده است. منجم‌باشی با خشم و نفرت می‌نویسد: «مردم عجم نمی‌دانم از چه بابت در انظار مردم آنجا مغضوب و حقیر و خفیف‌اند، بلکه از سگ پست‌ترند... خاصه در مدینه طیبه که خون و مال عجم را حلال و مباح می‌دانند و به هر قسم بتوانند در صدمه حجاج کوتاهی نمی‌کنند.» (منجم‌باشی، ص ۸۲۶)

عبدالحسین‌خان افشار، از بعدی کاملاً سیاسی به موضوع عجم‌آزاری نگریسته و می‌نویسد: «حاجی عجم بیچاره در مدینه هرگز زیارت به آزادی و استراحت نموده است. اهل ایران در مدینه منوره نه قنسولی دارند نه دادرسی» (افشار، ص ۵۹۳).

به‌تعبیر التون، سفرنامه‌ها چون نمودارهایی هستند که تغییرات عمیق فرهنگی و اجتماعی دوره‌ی قاجار را افشا می‌کنند؛ و بر افراد و سنن زمانه (Elton, p, 998) تأثیرگذار

بوده و سفرنامه زیارتی رجال سیاسی را می‌توان از این جهت اثرگذارتر برشمرد. سفرنامه‌های زیارتی حکومتگران برای پژوهش‌های تاریخی از وجه دیگری هم واجد ارزش‌اند؛ چراکه برای نمونه در آن‌ها اطلاعات بدیع از شرح مشاهدات عینی از جزئیات استقبال و تدارک تشریفات دیپلماتیک برای زائر تاج‌داری چون ناصرالدین‌شاه و برای دیگر حکام و شاهزادگان کثیرالعدده قاجاری می‌توان یافت.

۵.۵. نمایش قدرت سیاسی - فرهنگی ایران در اماکن زیارتی مستقر در قلمرو عثمانی
شهرهای زیارتی، «اهمیت سیاسی» در فعالیت‌های کشوری دارند و به همین ملاحظه سفر زیارتی رجال سیاسی، اهداف معنوی و مادی را با هم تأمین می‌کند. این باور از سوی فخری حقانی به این‌گونه مورد تأیید قرار گرفته است؛ که «معنای فضای دینی به‌طور نزدیکی با استفاده و نمایش قدرت اما به شکل‌های متفاوت نوع عرضه و اجرای آن وابسته است.» (حقانی، ص ۵۱)

اهدای هدایا از سوی صاحب‌منصبان ایرانی به اماکن مقدس مذهبی، بر هویت شیعی و ایرانی زائران تأثیر می‌گذاشت؛ چنانچه در منازل قمریه این معنا این‌چنین اشاره شده است: «ناصرالدین‌شاه سلطان عجم که به زیارت سلطان عرب و عجم مشرف شده بود دو پرده مرصع به مروارید و جواهر از ایران فرستاده.» (منازل قمریه، ص ۶۷۵)

نفوذ و قدرت‌عمل منحصر به فرد شاه قاجار در عراق عرب به‌هنگام اهدای هدایا و ساماندهی امر تعمیر و ترمیم ابنیه مذهبی در عراق؛ و متجلی‌شدن هنر ایرانی‌ها در اماکن متبرکه عراق، بر هویت شیعی زائران اثر می‌گذاشت. تأملی در متن خاطرات ناصرالدین‌شاه و شیوه‌ی عملکرد وی در عتبات، مدعای این نوشتار را تأیید می‌کند: «فرش‌های روزه و رواق امامان عسگری خوب نبود، گفتم اندازه بگیرند ان‌شاءالله تعالی از قالی فراهان و غیره بیاورند. دیوارهای دور صحن کمی مرمت لازم داشت گفتم برآورد کند چه قدر مخارج دارد؟» (ناصرالدین‌شاه، ص ۷۵)؛ و یا می‌نویسد «آزارها کاشی است باید سنگ شود» (ناصرالدین‌شاه، ص ۹۴)؛ و یا در جای دیگری یادآور می‌شود: امروز گفتم خزانة حضرت را باز کنند، اسباب موجوده را جواهر و طلا و سایر ثبت کنند. دوباره از جانب ایران و عثمانی مهر شود؛ و از حیف‌ومیل و نقصان محفوظ بماند (ناصرالدین‌شاه، ص ۱۰۷). به این ترتیب، شاه ایران در اقدامی نامتعارف با کارگزاران ناظر سنی عثمانی، در تأمین امنیت وجوهات و نقدینگی و هدایای گران‌قیمت اماکن متبرکه شیعی، در کسوت یک سیاست‌گذار شیعی مشارکت می‌نماید.

حاج ایاز قشقایی تمجید خود از طلاکاری گنبد حرمین عسگرین را این‌گونه تشریح می‌نماید: خیلی بزرگ است حضرت اقدس همایونی، شاه شهید ناصرالدین‌شاه ساخته است، خیلی تماشا دارد (حاج ایاز، ص ۱۸۶).

۵،۶. دیدار و چاره‌جویی برای مشکلات علما و مجاوران مقیم اماکن مقدسه زیارتی دیدار «علما متنفذ» (Aghighi, p, 65) و استماع سخنرانی از عادات متداول زائران بود و همین امر بر مقام و موقعیت علما در برون مرزها می‌افزود. در دوره پایانی حکومت قاجار، دولت ایران با «دیپلماسی و جلب‌نظر علمای شیعه عراق موفق به خنثی‌سازی تلاش دولت عثمانی برای تصاحب خزائن عتبات عالیات شد» (سیدبنکدار، ص ۳۶). این سنت دیدار با علما در قرن نوزدهم از سوی مقامات عالی‌رتبه سیاسی هم رعایت می‌شد. برای نمونه داود بن علینقی از بزرگان همراه در سفر ناصرالدین‌شاه می‌نویسد: «در کربلا با حجة الاسلام آقای حاجی شیخ حسین دیدار کردم» (وزیر و ظایف، ص ۲۱۹). سفرهای زیارتی این فرصت را برای شاه فراهم می‌کرد که در توقفگاه‌های بین راه با علما دیدار نموده و علما نیز خواسته یا ناخواسته به دیدن «زائر تاجدار» و «قبله عالم» (معشوق‌السفاره، ص ۱۰۶) بروند. در کربلا علمای نام‌آوری چون «آقاسیدصادق مشیرالدوله، حاجی میرزا ابوالقاسم و آقامیرزا تقی شهرستانی» (ناصرالدین‌شاه، ص ۵۶) از روی رغبت یا اکراه و احتمالاً برای بازگویی ظلم به «شیعیان ایرانی» به زیارت شاه می‌رفتند؛ و از سوی دیگر، حکومتگران قاجار، نظارت بر تعمیر و بازسازی و هدیه به اماکن مقدسه را به عهده‌ی علمایی چون سیدالعراقین می‌گذاشتند و به این ترتیب، روابط نهاد سلطنت و دین را بهبود می‌بخشیدند.

۶. نتیجه

این پژوهش نشان می‌دهد که یکی از راه‌های تأمین و تعقیب مشروعیت حکومتگران قاجار که به شیوه‌های مختلف در معرض شکنندگی قرار داشت، انجام و تشویق سفرهای مذهبی بود که به نتایج مثبتی برای صاحب‌منصبان سیاسی قاجار می‌انجامید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که درهم شکستن باورها و راه‌های کهن، نیازمند مفاهیم و عقلانیت نوینی بود که تا نیمه‌های حکومت قاجار به تأخیر افتاد. از دید این پژوهش زائر-سیاست‌گذارها در پیدایش این عقلانیت نوین با گزارش‌هایی که از فورم‌های کشورهای در مسیر خود چون روسیه و عثمانی ارائه دادند، سهمی هرچند اندک در ضربه‌زنی روبه‌رشد نوسازی ایفا نمودند؛ و با گزارش سفر خود در قالب

سفرنامه زیارتی به توسعه‌ی آگاهی درباره‌ی دستاوردهای مدنی و دگرگونی‌های فرهنگی غرب در ایران معاصر کمک کردند. برخی جزئیات دقیق از توصیف اوضاع در این سفرنامه‌ها آمده است که در دیگر منابع تاریخ‌نگاری یا به سکوت برگزار شده یا اطلاعات نارسایی در آن باره موجود است.

سفرنامه‌های زیارتی مقامات سیاسی ایران، با ارائه آگاهی‌های متنوع به تنوع و ژرفابخشی به منابع تاریخ‌نگاری و تعمیق دانش تاریخ اجتماعی ایران دوره قاجار کمک شایانی کردند و از وجهی دیگر و از روزنه‌ی نگاه تجددگراها، ثبت و ضبط خاطره‌های شخصی از سفر زیارتی شاهانه سبب شد زندگی خصوصی سلطان و دیگر مقامات سیاسی اهمیت عمومی پیدا کند.

سوژه‌ها و موضوعات موردتوجه زائر-سیاست‌گذارها به اقتضای پراگماتیسم بودن، موقعیت شغلی، تجربه کاری و التفات به موضوعاتی که سرشت سیاسی و اجتماعی داشتند، عبارت بودند از:

بررسی تطبیقی ساختار تکنولوژیک در روسیه و عثمانی و حتی مصر با ایران، شرح نوستالژیک از اوضاع شهرهای مرزی جداشده از ایران، رابطه شریفها با حکومت عثمانی، تشریح تفصیلی تشریفات دیپلماتیک اعمال‌شده برای رجال سیاسی زائر، آمار زائران، شیوه‌ی پرداخت عوارض و شرح اوضاع شیعیان و مجاوران ایرانی در اماکن زیارتی. همه‌ی محورهای مورد اشاره آن‌ها شأن تاریخ‌نگاری داشت و کمتر توجه خاطره‌نویسان معمولی را به خود معطوف می‌کرد.

یکی از پیامدهای بلندمدت سفر مذهبی شاهانه، مهیاسازی زیرساخت‌های حمل‌ونقل برای مسافران، تجار و زائران بود.

دیگر یافته‌ها حاکی از آن است که زائرانی که برای زیارت به عتبات می‌رفتند از نزدیک شاهد آن بودند که عمده بناها و تزئیناتی که در اماکن زیارتی در عراق برپا شده به اهتمام بلندپایگان سیاسی و تجار شیعه ایرانی صورت گرفته و این نمایش قدرت سیاسی - فرهنگی بر هویت آنان اثر می‌گذاشت و استمرار آن برپایی و بازسازی‌ها به‌گونه‌ای بوده است که شاهان قاجار یک نماینده‌ی ویژه مذهبی را مأمور نظارت بر ساخت بنا، طلا و نقره‌کاری گنبدها، ضریح‌سازی در عتبات عالیات می‌نمودند. لحن ناصرالدین‌شاه در سفرنامه‌ی زیارتی خود از بازگشایی خزاین حرم حضرت امیر^(ع) به‌گونه‌ای است که گویی ناصرالدین‌شاه در حرم حضرت معصومه^(س) در قم بوده که این چنین دستور کار را صادر می‌کرده است.

نتایج دیگر نشان می‌دهد که حل و فصل مسائل سیاسی به‌ویژه در حکومت فردی و استبدادی شاهان قاجار بر عهده‌ی شاهان و مقامات بلندپایه موردنظر آنان قرار می‌گرفت و وزارت خارجه و آنچه امروزه به‌عنوان نهاد دیپلماتیک از آن یاد می‌شود در فرایند سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری استقلال عمل نداشته و در سفر زیارتی ناصرالدین‌شاه به عتبات و افزون بر آن، سفر کم‌نظیر عضدالملک که برای نظارت بر انتقال خشت‌های طلای اهدایی شاه مأموریت داشت، فرصت لازم برای زمینه‌چینی و گفت‌وگو درباره‌ی مسائلی چون آزار زائران شیعی ایرانی در عراق، بی‌احترامی به حقوق علما مقیم عتبات، هماهنگی برای صدور تذکره زیارتی، رسیدگی به موضوع مخاطرات سیاسی کوچ‌روی ایلات و عشایر مرزی و... فراهم می‌شد. اقدام کارگزاران عثمانی برای نمونه در تعریض مسیر سفر شاه ایران به عتبات در عالم دیپلماسی به‌عنوان نشانگانی از حسن‌نیت و تمایل به جنگ‌گریزی معنا می‌شده و زمینه‌ی لازم و البته ناکافی برای حل و فصل مسائل تدارک می‌دیده است. اعمال تشریفات فوق‌العاده برای شاه ایران در اثنای سفر زیارتی نشان از موقعیت‌سنجی عثمانی‌ها برای ابراز تمایل به صلح و توقف سال‌ها کینه‌توزی داشته تا از فرصت سفرهای زیارتی برای تدارک بستر لازم برای گفت‌وگو درباره مسائل با شاه و مقامات بلندپایه سیاسی بهره ببرند.

پی‌نوشت

۱. با توجه به اینکه از مجلدات کتاب رسول جعفریان در این پژوهش به‌طور گسترده استفاده شده و برای روشن شدن اینکه هربار به کدام اثر از آن مجلدات ارجاع شده، اسم نویسنده و نام اثر و شماره جلد به‌علاوه قید در سفرنامه‌های حج آورده شده است که کوشش ایشان در گردآوری سفرنامه‌های حج در مجلدات هم محفوظ بماند.

منابع

- آدمیت، فریدون، *انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران*، به‌اهتمام سید ابراهیم اشک شیرین، تهران، گستره، ۱۳۹۴.
- اردلان، فخرالملک، *از حریم تا حرم سفرنامه ابوالحسن‌خان فخرالملک (اردلان) به عتبات ۱۳۴۵ ق-* ۱۲۷۹، به‌کوشش محمدرضا عباسی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲.
- امین‌الدوله، میرزا علی‌خان، *خاطرات سیاسی امین‌الدوله*، به‌کوشش حافظ فرمانفرمائی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰.
- اوکانر، فردریک، *خاطرات فردریک اوکانر کنسول انگلیس در فارس*، مترجم حسن زنگنه، تهران، شیرازه، ۱۳۷۶.

- ایوری، پیتر و دیگران، جنگ و صلح در دوره‌ی قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون، زیر نظر رکسانه فرمانفرمائیان، ترجمه‌ی حسن افشار، تهران، مرکز، ۱۳۹۴.
- جعفریان، رسول، پنجاه سفرنامه‌های حج قاجاری، تهران، علم، ۱۳۸۹.
- جهانگیرمیرزا پسر عباس میرزا نایب‌السلطنه، به کوشش عباس اقبال، تهران، علم، ۱۳۸۴.
- حسام‌السلطنه سلطان مراد، سفرنامه حسام‌السلطنه، به کوشش رسول جعفریان، تهران، مشعر، ۱۳۷۴.
- حضرتی، حسن، تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی، تهران، نقش جهان، ۱۳۸۰.
- رجبی، محمدحسن؛ پورامید فاطمه، مکتوبات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه، ج ۱، تهران، نی، ۱۳۸۴.
- ریاحی، محمدمبین، سفارت‌نامه‌های ایران گزارش‌های مسافرت و مأموریت سفیران عثمانی در ایران، تهران، توش، ۱۳۶۸.
- ظل‌السلطان، میرزا مسعود، خاطرات ظل‌السلطان، به اهتمام حسین خدیو جم، تهران، اساطیر، ۱۳۶۸.
- عبدالدوله، میرزا احمدخان، تاریخ عضدی، به تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، علم، ۱۳۷۶.
- عضدالملک، علیرضا، سفرنامه عضدالملک به عتبات، به کوشش حسن مرسلوند، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۰.
- علیزاده بیرجندی، زهرا، حکومت ناصری و گفتمان‌های نو، تهران، هیرمند، ۱۳۹۰.
- فراهانی، میرزا محمدحسین، سفرنامه میرزا احسین خان فراهانی، به کوشش حافظ فرمانفرمائیان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲.
- قشقایی، حاج ایاز، سفرنامه حاج ایاز قشقایی به مکه مدینه و عتبات در روزگار احمدشاه، به کوشش پرویز شاکری، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.
- کرنازکی، حافظ محمد عبدالحسین کربلایی، تذکره الطریق فی مصائب حجاج بیت‌الله العتیق (میانه قرن ۱۳هـ)، به کوشش رسول جعفریان و اسرا دوغان، قم، مورخ، ۱۳۸۶.
- کرمانی، حاجیه علویه خانم، روزنامه سفر حج، به کوشش رسول جعفریان، قم، مورخ، ۱۳۸۶.
- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- معشوق‌السفاره، رساله در آداب سفر و قواعد و قانون آن در دوره قاجار، بی نا (احتمالاً کاشانی)، به کوشش رسول جعفریان، قم، مورخ، ۱۳۹۵.
- ملک‌آرا، عباس میرزا، شرح حال عباس میرزا ملک‌آراء، به کوشش عبدالحسین نوائی، تهران، بابک، ۱۳۶۱.
- میرزا صالح غلامحسین، اسناد رسمی در روابط سیاسی ایران و روس و عثمانی، ج ۱، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۵.
- ناصرالدین‌شاه، خاطرات سفر ناصرالدین‌شاه به عتبات، تهران، خانه ابریشمی، ۱۳۸۱.
- نجم‌الدوله، سه اثر از نجم‌الدوله «رساله تطبیقی»، «تشخیص نفوس دارالخلافة» و سفرنامه حج، تنظیم تحشیه از احمد کتابی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴.
- هدایت، مهدیقلی‌خان، خاطرات و خطرات؛ توشه‌ای از تاریخ شش پادشاه، تهران، زوار، ۱۳۷۵.

- _____ سفرنامه مکه، به کوشش سیدمحمد دبیرسیاقی، تهران، تیراژه، ۱۳۶۸.
- وزیر وظایف، داود علینقی، سفرنامه میرزا داود وزیر وظایف، به کوشش سیدعلی قاضی‌عسگر، تهران، مشعر، ۱۳۷۹.
- وقارالدوله، سکینه‌السلطان، *خاطرات سکینه‌السلطان وقارالدوله اصفهانی کوچک*، به کوشش رسول جعفریان، کیانوش کیانی هفت‌لنگ، تهران، علم، ۱۳۸۹.
- التون، دانیل، «حج و سفرنامه‌های دوران قاجار»، برگردان: صفورا فضل‌الهی، پیام بهارستان، دوره دوم، سال ۴، شماره ۱۴، صص ۹۸۰-۹۹۹، ۱۳۹۰.
- جعفریان، رسول، «نگاهی گذرا به تاریخ‌نگاری در فرهنگ تشیع»، *آینه پژوهش*، سال هفتم، شماره پنجم، شماره پیاپی ۴۰، صص ۲-۱۵، ۱۳۵۷.
- چیاوردینی، تیزیانو، «زیارت شبانه به حرم بانوی الهی در رم»، برگردان: شاهده سعیدی، فرهنگ و انسان، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۱۷-۲۹، ۱۳۹۰.
- حقانی، فخری، «شهر ری و زیارتگاه حضرت شاه عبدالعظیم، تاریخ دینی دنیوی»، فرهنگ و انسان، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۲۸-۳۱، ۱۳۹۰.
- سلطانی مقدم، سعیده، «ابراهیم، اصلانی‌ملایری. نقش و اهمیت مذهبی فرهنگی و اجتماعی راه عتبات با تکیه بر رفت و آمد زائران شیعی در دوره قاجار»، *شیعه‌شناسی*، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۱۶۳-۱۸۰، ۱۳۹۴.
- سیدبنکدار، مسعود، *بررسی اسنادی اختلاف ایران و عثمانی بر سر خزائن عتبات در دوره احمدشاه*، تهران، گنجینه اسناد، ۱۳۹۲.
- علی‌صوفی، علیرضا و علی‌اکبر، زوار، «سفر زیارتی حج در دوره قاجار بر مبنای سفرنامه‌های رجال دوره قاجاری تاریخ»، *آینه پژوهش*، سال نهم، شماره اول، صص ۲۱-۴۸، ۱۳۹۱.
- قاضی‌عسگر، سیدعلی، «سفرنامه‌ای شیرین و پرماجرا»، *میقات حج*، ش. ۱۹، صص ۱۶۵-۱۸۸، ۱۳۷۶.
- واعظ، نفیسه، «تأثیر سفرهای زیارتی بر سیاست منطقه‌ای و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با عراق نوین»، *شیعه‌شناسی*، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صص ۱۸۱-۲۲۰، ۱۳۹۴.
- Abrahamian, Ervand. *Iran Between Two revolution*, princeton university press new jersy, 1982.
- AgighiBakhshayeshi, *TenDecaddes of ulamas struggle*, translated Aladinpazargadi, Tehran, sepehr, 1985.
- Avery, peter, *The Cambridge history of iran. vol7*, Cambridge university press, londn, 1991.
- Elton. L. Daniel. *The Hajj and Qajar Travel Lireature*, In society and culture in Qajar Iran: studies in honer of Hafefarmayan Costa Measa, CA; 2002.
- Vaeznafiseh. "A study of obstacles to the Establishment of an Islamic union in the middle east" "WOCMES, World congress for middle east eastern studies Barcelona, july 19-24, 2010.
- www.hawzah.net/fa/seminar/view69997 (مجتبی علی‌بابایی، تئوری موازنه قوا در)
- (روابط بین‌الملل، تاریخ دسترسی ۱۳۹۵/۹/۷)